

بررسی کیفری و جزایی اجرای شلاق حدی و تعزیری با مذاقه در نحوه شلاق زدن و چگونگی اجرا در نظام کنونی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

زهرا یوسفی^۱

محقق و پژوهشگر

طاها فتاحی

پژوهشگر برگزیده کشوری و دارنده تندیس پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار سال ۱۴۰۰

چکیده

اجرای مجازات شلاق جهت بزهکاران تحت عنوان یکی از کیفرهای جسمی و تنبیهی از مدت‌ها پیش در جوامع انسانی وجود داشته است. هرچند که امروزه مجازات شلاق از لیست قوانین کیفری خیلی از کشورهای جهان حذف شده است. اما کیفر مذکور همچنان در مواد مختلف قانون جزا ایران به عنوان مجازات حدی و کیفری و تعزیری پیش‌بینی شده است. قانون گذار میزان مجازات حدی را از شرع اقتباس کرده و مقدار آن مطابق با شرع است و مانند مجازات شرب خمر که میزان آن ۸۰ ضربه تازیانه است و قاضی نمی تواند در رای خود میزان آن را از ۸۰ ضربه کم یا زیاد کند. در اجرای حکم شلاق حدی، اگر تازیانه به قسمتی دیگر از بدن جانی برخورد کند، تازیانه زننده مسئول نیست اما میزان شلاق تعزیری را مجلس تصویب کرده که اغلب مجازات تعزیری حداقل و حداکثر در قانون تعیین شده است و قاضی دادگاه بین این حداقل و حداکثر را بیان می کند. در اجرای حکم شلاق تعزیری اگر هنگام تازیانه زدن به جای دیگری از بدن جانی اصابت کرد و او صدمه دید شخصی که تازیانه می زند، مسئول است و حتی ممکن است به جانی دیه هم پرداخت شود. در اجرای شلاق اعم از حدی و تعزیری نکات بسیار دقیق و حساسی نهفته است که باید به این موارد توجه خاص و ویژه ای داشت. به دلیل اهمیت بالای موضوع در این مقاله قصد داریم به بررسی کیفری و جزایی اجرای شلاق حدی و تعزیری با مذاقه در نحوه شلاق زدن و چگونگی اجرای شلاق بپردازیم.

واژگان کلیدی: شلاق، مجازات حدی، تازیانه، ضغث، اجرای احکام، مجازات‌های بدنی

مقدمه

مجازات بدنی شلاق یکی از شایع‌ترین و قدیمی‌ترین مجازات‌هاست و تقریباً در تمام جوامع بشری برای تنبیه و ارعاب مجرمین در قبال ارتکاب برخی از اعمال ممنوعه وجود داشته است. در فقه جزای اسلامی تأکید بر اجرای فوری این حکم، خود حکایت از اهمیت و عنایت شارع مقدس در اجرای آن است. لازم به ذکر است پرداختن به ماهیت این مجازات به لحاظ تادیب و بازدارندگی شخص مجرم و همچنین ایجاد روحیه‌ی اطاعت‌پذیری از دستورهای شرع مقدس اسلام توسط افراد جامعه و تأثیر مطلوب از اجرای احکام الهی در سطح اجتماع اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند. دین مبین اسلام جهت هدایت مجرمین و ریشه‌کن کردن جرایم طرقي را برگزیده است که همان ابلاغ و نشر ارزش‌های انسانی و اخلاقی است. این طریق مبارزه با مجرمین و بزه‌کاران و زدودن جرم و جنایت از پیکره جامعه‌ی اسلامی به وسیله‌ی دین مبین اسلام و مذهب امامیه با وضع قوانین و احکام فرعی امکان‌پذیر گردیده با سپری شدن قرون متمادی بدین‌گونه مدون و مبرهن به نسل کنونی منتقل شده است. یکی از این احکام اجرای حدود الهی در جامعه‌ی اسلامی است. سعی اسلام بر اصلاح زمینه‌ها و محیط‌های جرم‌زا و جایگزینی فضایل اخلاقی به جای رذایل بوده و قبل از اقدام به مجازات، به تبلیغ و هدایت مردم می‌کوشد. (محمدنسل، ۱۳۸۳، ص ۲۷)

بخش اول: بررسی و شناخت مجازات‌های حدی

مجازات حدی، یکی از انواع مجازات‌های اصلی پیش‌بینی شده، در قانون مجازات اسلامی است، مجازات‌های حدی، به آن دسته از مجازات‌هایی گفته می‌شود که مقدار و نوع آنها، در فقه اسلامی مشخص شده است و طبق همان مجازات مشخص شده، اعمال خواهند شد. حدود جمع کلمه حد است و در معنای لغوی، حد به معنای منع است. بنابراین، مجازات حدی به مجازات‌هایی گفته می‌شود، که به دلیل سختی و مشقتی که دارند، باعث می‌شوند، مردم از انجام کارهای مخالف عرف، منع و محدود شوند، که این موضوع، نوعی بازدارندگی از جرم را سبب می‌شود. منابع تعیین مجازات حدی، فقه اسلامی، آیات قرآن، روایات و سیره پیامبران و ائمه می‌باشد. بنابراین، با سایر مجازات‌ها که قانون‌گذار با توجه به جرم، شرایط آن و عرف جامعه به تبیین آنها می‌پردازد، متفاوت است. (آشوری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸) با توجه به اینکه، یکی از منابع مهم حقوقی کشور ما، فقه اسلامی و منابع شرعی

است، این موضوع سبب می شود، تا دایره شمول جرایمی که مستوجب حد هستند، گسترده باشد. مجازات‌های اصلی در قانون مجازات اسلامی، ۴ گروه هستند، که حد یکی از آنها می باشد. (اخوت، ۱۳۹۵، ص ۵۹) براساس ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها به چهار دسته حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم می شوند. بنابراین، حد یکی از انواع مجازات اصلی، در این قانون است. به موجب ماده ۱۵ این قانون، حد به مجازاتی گفته می شود که: "موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است." هدف از تعیین مجازات حدی در شرع، گسترش دادن مجازات افراد نیست؛ بلکه هدف از این دسته از مجازات‌ها، بازدارندگی و تربیت مجرم است. قانون گذار، نوع و میزان مجازات حدی را از قرآن، اقتباس کرده است و مقدار و نوع آن، به همان ترتیبی است که در این کتاب الهی، ذکر شده است. بنابراین، قاضی هم نمی تواند کیفیت، نوع و میزان حدود را تغییر دهد یا مجازات حدی را کمتر کند و یا به طور کلی، از آن صرف نظر نماید. (فرجاد، ۱۳۶۹، ص ۷۸) همان طور که اشاره کردیم، موجب، میزان و نوع مجازات حدی در شرع مشخص شده و حتی قاضی در صدور حکم، نمی تواند در آن، تغییری ایجاد کند. نوع مجازات حدی، بستگی به جرم صورت گرفته دارد و به انواع مختلفی تقسیم می شوند. برخلاف تصور عموم که فکر می کنند، مجازات مستوجب حد، فقط شلاق می باشد، در واقعیت امر، این چنین نیست. (آماده، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲) به همین دلیل در این بخش از مقاله، به معرفی انواع مجازات حدی، به همراه مثال می پردازیم که شامل موارد زیر می باشد:

- اعدام : در جرائمی مانند جرم زنا با محارم، فاعل در جرم لواط
- شلاق : تعداد ضربات شلاق، در هر جرم حدی متفاوت است. برای نمونه، در حد مسکر (استفاده از مشروبات الکلی) تعداد ضربات شلاق، ۸۰ ضربه است.
- قطع کردن انگشت و دست و پا : برای مثال، حد مجازات سرقت برای بار اول، قطع کردن چهار انگشت دست راست سارق است.
- تبعید : "به معنای طرد فرد، از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص در موارد مذکور در قانون است، به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت باشد" مانند، مجازات حدی برای جرم محاربه

بند اول: نحوه اعمال مجازات حدی

اعمال مجازات حدی، علاوه بر قانون مجازات اسلامی، براساس آیین نامه اجرای احکام حدود مصوب سال ۱۳۹۸، انجام می گیرد. تمامی مجازات‌های حدی، بر اساس شرع تعیین شده اند، بنابراین، قاضی نه می تواند از آن، بکاهد و نه آن را افزایش دهد. باید به این نکته اشاره شود که نحوه اعمال شلاق تعزیری و نحوه اعمال شلاق حدی، با هم تفاوت دارند. شلاق حدی، به موجب ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی، تعدادی مشخص شده است و چون براساس شرع تعیین شده، قاضی نمی تواند مقدار آن را کم کند، همچنین در شلاق حدی، اگر ضربه به غیر از محل مشخص، بخورد، ضربه زننده مسئول نمی باشد اما در شلاق تعزیری، تعیین میزان، با قاضی بوده و همچنین خوردن ضربه به سایر قسمت‌های بدن مرتکب، سبب می شود ضربه زننده مسئول باشد. به موجب ماده ۱۳۶ آیین نامه اجرای احکام حدود، در خصوص نحوه اجرای تبعید، اینگونه مقرر شده است، که "قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم را برای اجرای حکم تبعید یا نفی بلد، احضار و مفاد حکم و محلی که باید در آن اقامت داشته باشد را با تنظیم صورت مجلس، به وی تفهیم می کند." به موجب ماده ۴۰ همین آیین نامه، "مجازات‌های اعدام و قصاص نفس به صورت حلق آویز و از طریق طناب دار و یا به شیوه دیگری که کم ترین آزار را برای محکوم داشته باشد، اجرا می شود." به موجب ماده ۱ همین آیین نامه "قطع هر یک از اعضای بدن در جرایم حد با رعایت شرایط قانونی" صورت می گیرد. مثلاً به موجب ماده ۹۶ همین آیین نامه، "چنانچه به تشخیص پزشکی قانونی گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم شود، قطع عضو باید در هوای معتدل انجام گیرد." (سلیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱)

بند دوم: شرایط اجرای مجازات حدی

به موجب ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، "در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی، مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد." یعنی مرتکب جرم، علاوه بر اینکه باید عاقل و بالغ باشد، لازم است، بداند جرمی که انجام داده است، علاوه بر اینکه برای وی مسوولیت کیفری به دنبال دارد، یک عمل حرام شرعی نیز هست. بنابراین، در شرایطی که جرمی با مجازات حدی، مثل سرقت یا زنا، به وقوع پیوسته باشد و متهم، ادعا کند در انجام جرم، آگاهی و عمد نداشته است و یا ادعا کند که به زور شکنجه و تهدید، اقرار کرده است، در

صورتی که شخص قاضی احتمال دهد، متهم حقیقت را می گوید، ادعای متهم را بدون نیاز به شاهد و سوگند می پذیرد و مجازات حدی اعمال نخواهد شد. (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳، ص ۷۹) البته به موجب ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی: "دادگاه نمی تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون، قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است." شرط دیگر برای اجرای مجازات حدی، آن است که فعل ارتكابی مرتکب، لزوماً در دایره جرایم موجب حد قرار بگیرد. قانون مجازات اسلامی از ۱۱ جرم حدی نام برده است، که شامل زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، قوادی، قذف، سب نبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض می شود. در خصوص جرایم حدی که در قانون مجازات از آنها نام برده نشده است، بر اساس منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر، حکم قضیه صادر می شود. (فرج اللهی، ۱۳۸۹، ص ۵۴)

بخش دوم: بررسی و شناخت مجازات شلاق و نحوه اجرای شلاق

مجازات شلاق در قوانین کیفری ایران در ابتدای قرن چهاردهم شمسی با الهام گرفتن از قوانین کیفری کشورهای مثل فرانسه و بلژیک را هم در قانون مجازات عمومی به تصویب رسید. درست است که اجرای مجازات شلاق در ایران در دوره‌های مختلف رایج بوده است اما در قانون مجازات عمومی صریحاً وجود نداشته است. قانون گذار در ایران در سال ۱۳۴۴ ماده واحده ای را به تصویب رساند که مجازات شلاق را در بسیاری از موارد منسوخ می دانست. به همین جهت از نظر بسیاری از احکام قضایی آن دوران مجازات شلاق رایج نبوده است. بر این اساس از قاضی‌ها از صدور این مجازات پیشگیری می نمودند. یکی از مهمترین جهاتی که موافقان اجرای حکم شلاق بیان می کنند موثر بودن اجرای حکم شلاق در بازدارندگی می باشد. (نیازپور، ۱۳۹۰، ص ۸۸) آن‌ها بر این باورند که درد و رنجی که محکوم با اجرای این حکم متحمل می شود، یکی از علت‌های مهم این است که او را از تکرار خطا باز می دارد. به علاوه مجازات شلاق مضاف بر درد جسمی، باعث تحقیر شخصیت مجرم هم می گردد که همین مسئله سبب ممانعت از ارتکاب مجدد جرم می شود. موافقان به اجرای مجازات شلاق در ملأ عام معتقدند که این امر موجب عبرت تماشاگران خواهد شد و از این حیث هم هدف و قصد اصلی قانونگذار که بازدارندگی از ارتکاب جرم است محقق می شود. اما منتقدان این موضوع عقیده دارند که اجرای حکم شلاق سطحی می باشد از

نظر آن‌ها شاید حکم شلاق اثری کوتاه مدت داشته و ظاهراً سبب ممانعت از ارتکاب مجدد جرم شود اما عملاً مجازات‌های سخت بدنی از زشتی جرم کاسته و مجرم مجدداً به ارتکاب جرم می‌پردازد. از نظر این دسته از منتقدان آن چه در اجرای حکم شلاق از دید پنهان می‌ماند این است که مشکلات متهم اساسی و ریشه‌ای رفع نمی‌شود و تنها هراسی در دل مجرم می‌اندازد. در صورتی که مجازات‌های جایگزین امکان اصلاح بزه کار را تسهیل می‌نماید. از نظر آن‌ها در ایران هم با سپری شدن ۴۰ سال از اجرای مجازات‌هایی از این دست، آمار جرم و جنایت کم نشده بلکه با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی افرادی که هیچ سابقه کیفری ندارند دست به جرم‌هایی چون سرقت می‌زنند. نتیجه آن که اجرای احکام شلاق و مجازات‌های سنگین بدنی با قصد بازدارندگی عملاً نتیجه‌ای ندارد. اما کسانی که موافق با اجرای حکم شلاق هستند، از نظر آن‌ها از کم هزینه‌ترین مجازات‌هایی است که دستگاه قضا امکان آن را دارد که از آن استفاده نماید. زیرا در بقیه مجازات‌ها انجام روند قضایی و اجرای حکم می‌تواند مدت‌ها طول بکشد و اجرای آن برای دولت هزینه‌های بیشتری از مجازات تازیانه را در بر دارد. منتقدان با توجه به اصل شخصی بودن مجازات شلاق بر این باورند که دردی که از اجرای تازیانه بر بدن محکوم علیه صورت می‌گیرد یک خشونت است که علیه روان مرتکب و همه افراد جامعه انجام می‌شود. (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳)

بند اول: جنس شلاق چیست؟

شلاق یک نوع مجازات بدنی است که به موجب آن بدن مجرم از طریق نواختن ضربه به وسیله‌ی شلاق مورد درد و عذاب قرار داده می‌شود. شلاق معمولاً به شکل نوار چرمی به هم تابیده به طول تقریبی یک متر و به قطر تقریبی ۱/۵ سانتی‌متر می‌باشد که بسته به نوع مجازات با شدت‌های مختلف زده می‌شود. شلاق یکی از انواع مجازات مصرح در قوانین مجازات اسلامی و تعزیرات است. در این کیفر تعداد معینی ضربه شلاق به بدن محکوم علیه (جز نواحی سر و صورت و آلت تناسلی است) وارد می‌شود. شلاق در اسلام به عنوان یک حکم امضایی مورد پذیرش قرار گرفته و اکنون در حقوق ایران به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی شایع و مهم در قبال برخی از جرایم حدی و تعدادی از جرایم تعزیری و بازدارنده وجود دارد. شلاق به عنوان یکی از مجازات‌های مشخص شده در فقه، موارد زیادی از حدود و تعزیرات را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به سکوت قانون درباره جنس، عامل و

کیفیت اجرای شلاق، مجریان ناگزیر به استفاده از نظرات فقهی هستند. این مباحث در فقه به صورت پراکنده و در برخی موارد نیز تنها در استفتائات آمده است. در جنس شلاق، دو نظر موجود است: چرم بودن و تفاوت نداشتن بین چرم و غیر چرم با این شرط که لبه دار و تیز نباشد. در عامل اجرای شلاق که نوعاً آن را به عهده حاکم یا نماینده او می دانند تفصیلی در حدّ زنا وجود دارد که در صورت اثبات زنا با شهادت، شلاق میزند و در غیر آن صورت، حاکم اجرا می کند. در نحوه اجرای شلاق نیز که بیشتر مباحث فقهی ذیل آن است، تفصیلات زیادی وجود دارد. پوشش مجرم، حالت نشسته یا ایستاده، شدت ضربه و نحوه توزیع ضربه بر بدن نیز از موارد اختلافی میان فقها است. (میره ای، ۱۳۸۳، ص ۹۷)

بند دوم: چگونگی اجرای مجازات شلاق

پس از صدور رأی مبنی بر محکومیت متهم به اجرای مجازات شلاق، در صورتی که متهم در زندان باشد و یا اینکه آزاد باشد، مجازات شلاق اجرا می گردد.

الف) اجرای شلاق نسبت به محکوم علیه زندانی

در صورتی که محکوم علیه (مجرم) در زندان باشد، اگر در رأی صادره محل مشخصی برای اجرای شلاق قید شده باشد، اجرای مجازات در همان محل انجام می گیرد اما اگر مشخص نشده باشد، طی نامه ای به زندان اعلام می شود که مجازات شلاق اجرا گردد و بعد از اجرای آن اگر به علت دیگری در بازداشت نباشد، آزاد شود. نحوه اجرای مجازات شلاق در زندان به اینصورت است که با توجه به اینکه زندان صرفاً وظیفه نگهداری از محکومین را دارد و اجرای شلاق با مرجع انتظامی است، به همین دلیل رویه به این شکل می باشد که کلیه نامه های اجرای مجازات شلاق که تا پایان وقت اداری به زندان واصل می شود، جمع آوری گردیده و در پایان وقت اداری، مامور اجرای شلاق نیروی انتظامی در زندان حاضر می شود و نماینده ای نیز از اجرای احکام به دلیل نظارت بر حسن اجرای حکم در محل زندان حاضر می گردد. در ابتدا نماینده اجرای احکام قبل از اجرای حکم، صورتجلسه عدم وجود موانع اجرای حکم را تنظیم نموده و به امضا و اثر انگشت مجرم می رساند و اگر مانعی برای اجرای حکم وجود نداشته باشد، مامور اجرا، مجازات شلاق را اجرا می کند. سپس مراتب اجرای حکم صورتجلسه شده و به امضای محکوم علیه، نماینده اجرای احکام و مامور اجرا می رسد. (فرجاد، ۱۳۶۹، ص ۲۰۴) بعد از اجرای حکم شلاق،

نسخه ای از صورتجلسه در اجرای احکام زندان مانده و نسخه دیگر به اجرای احکام دادگاه ارسال می شود و قاضی اجرا بعد از اطمینان از اجرای حکم، دستور مختومه شدن پرونده و کسر از آمار را می دهد. اما اگر محکوم علیه (مجرم) در زندان اعلام کند که مانعی جهت اجرای شلاق وجود دارد، نماینده اجرا مراتب را صورتجلسه می نماید و به قاضی اجرا اعلام میدارد و قاضی اجرا در صورت احراز وجود مانع، اجرای حکم را تا رفع مانع به تعویق می اندازد. (محمدنسل، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰)

ب) اجرای شلاق نسبت به محکوم علیه آزاد

در این شرایط محکوم علیه احضار می شود و بعد از حضور یا جلب او، ابتدا صورتجلسه ای تنظیم و احراز هویت انجام می گیرد و بعد صورت جلسه دیگری در صورت عدم وجود موانع اجرای حکم تنظیم و اگر مانعی وجود نداشته باشد، محکوم علیه به مرجع انتظامی معرفی می شود تا حکم اجرا شود. حال ممکن است این سوال برای شما پیش آید و پرسید آیا امکان اجرای حکم شلاق در اجرای احکام دادگاه وجود دارد؟ در خصوص این مورد که آیا می توان اجرای حکم شلاق را در اجرای احکام دادگاه انجام داد یا خیر، باید گفت که اگر در رای صادره محل مشخصی جهت اجرای حکم تعیین شده باشد باید در همان محل انجام شود اما در غیر اینصورت قاضی اجرای احکام میتواند در واحد اجرای احکام دادسرا، شلاق را اجرا نموده و مراتب را صورتجلسه نماید.

بند سوم: نحوه اجرای مجازات شلاق

الف) از جهت وضعیت محکوم علیه

در مورد نحوه اجرای مجازات شلاق در مورد بانوان رویه به اینصورت می باشد که باید بصورت نشسته و با لباسی که بدن آنها بسته باشد، انجام بگیرد. شلاق های حدی مردان به نحو ایستاده انجام می شود و حتی المقدور دست و پای محکوم به محل اجرای حکم بسته می شود تا از انجام حرکات اضافی محکوم که ممکن است منجر به اصابت به نقاط ممنوعه شود، جلوگیری به عمل آید.

ب) محل اجرای شلاق

محل اجرای شلاق باید در یک مکان سرپوشیده که دمای آن معتدل است باشد و اگر در رای صادره مکان مشخصی تعیین شده باشد، نباید دمای هوا بسیار سرد یا بسیار گرم باشد.

شدت ضربه شلاق نباید به صورتی باشد که باعث خطر جانی یا نقص عضو محکوم علیه شود. اجرای حکم شلاق در زمان بیهوشی ممنوع است و استفاده از داروهای بی حسی، مواد روانگردان و هر چیزی که مانع احساس درد باشد، قبل و یا در حین اجرای حکم شلاق ممنوع است و حکم در اینصورت اجرا نمی شود. در مواردی که اجرا کننده حکم شلاق شک کند که چند ضربه شلاق زده است، با توجه به لزوم رعایت احتیاط در حق محکوم علیه، بنا بر اکثر گذاشته می شود. اگر محکوم علیه در هنگام اجرای حکم شلاق بیهوش شود، اجرای حکم متوقف می شود و تا زمان بهبودی کامل وی اجرای حکم به تاخیر می افتد. اگر کسی به دو یا چند محکومیت به شلاق حدی یا تعزیری محکوم شود، مانند آنکه به ۱۰۰ ضربه شلاق حدی بدلیل جرم زنا و ۷۰ ضربه شلاق تعزیری به جرم شرب خمر محکوم شود، میان دو اجرای حکم تا زمان حاصل شدن بهبودی، تاخیر می افتد. مگر اینکه خود فرد خواهان انجام حکم دوم قبل از بهبودی باشد و پزشکی قانونی نیز اعلام کند که اجرای حکم دوم خطر جدی به همراه نخواهد داشت. (محمدنسل، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷)

بخش سوم: شناخت ماهیت و مصادیق شلاق‌های حدی و تعزیری

مجازات‌های حدی انواعی دارد که شلاق یکی از آنها می‌باشد، که تعداد ضربات و کیفیت اعمال آن در هر یک از جرایم مربوطه مشخص شده است و قاضی هیچ‌گونه اختیاری در کم یا زیاد کردن آن ندارد. برخلاف شلاق‌های تعزیری که فقط تعداد حداکثر آن مشخص شده است و قاضی اختیار دارد از آن میزان کمتر مورد حکم قرار دهد و یا آن را به مجازات دیگری که مساعد به حال متهم باشد، تبدیل نماید. در حقوق جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از فقه جزایی اسلام، موارد شلاق‌های حدی و تعداد آنها مشخص و احصاء شده است. مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات شلاق حدی در ارتباط با جرایم زیر وضع و مقرر شده و قابل تسری به جرایم دیگر نیست که در اینجا به صورت مختصر به آنها پرداخته می‌شود. (پوربافرانی، ۱۳۸۴، ص ۸۰)

الف: زنا ی غیرمحصنه

سوره ی مبارکه ی نور آیه دو اشاره صریح به حد زنا دارد: هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید، محتوای کلی سوره ی مبارکه ی نور را می‌توان سوره ی پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگی‌های جنسی دانست. ماده ی ۸۸ قانون مجازات اسلامی حد زنا ی زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشد صد تازیانه عنوان کرده است. حکم این ماده مستند به

روایت‌های فراوانی است که از ائمه‌ی معصومین در دست می‌باشد: امام صادق(ع) فرمودند: مرد و زن آزاد هرگاه مرتکب زنا شوند هر کدام صد ضربه شلاق می‌خورند و اگر محسن و محصنه باشند سنگسار می‌شوند. امام باقر(ع) فرمودند: مردی که محسن نیست صد ضربه شلاق می‌خورد اما تبعید نمی‌شود. اگر زناکار محسن نباشد یک صد تازیانه به او زده می‌شود ولی علاوه بر این واجب است موه‌ای سرش قیچی یا تراشیده شود و یک سال کامل از شهر خودش تبعید می‌شود. (شیدائیان، ۱۳۸۸، ص ۵۷)

ب: تفخیز

اگر لواط بدون دخول به صورت تفخیز بود حد آن یک صد ضربه تازیانه است که این مطلب از حسن و مفید و سید و سالار و حلبی و ابن زهره و ابن ادریس نقل شده است. طوسی در نه‌این و خلاف و مبسوط و تهذیب و استبصار گفته است: در لواط بدون دخول اگر شخص محسن بود او را رجم و اگر محسن نبود به او شلاق می‌زنند. ماده‌ی ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی حد تفخیز و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک یک صد تازیانه عنوان می‌کند. تبصره: در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است.

ج: مساحقه

مساحقه از دو راه ثابت می‌شود: راه اول: چهار مرد عاقل، عادل به این عمل شهادت دهند. راه دوم: خود جانی در صورتی که شرایط عامه تکلیف را دارد اقرار کند. مجازات مساحقه، اگر زن بالغه و عاقله و از روی اختیار مرتکب این کار شد، مسلمان باشد و چه کافر چه آزاد و چه برده، محسنه و غیرمحسنه، فاعله یا مفعوله، یک صد ضربه شلاق است.

د: قیادت

قیادت عبارت است از این که کسی دو فاعل عمل فحشا از قبیل زنا و لواط و مساحقه را به هم برساند. طبق نظر مشهور فقها هفتاد و پنج ضربه تازیانه است فرقی نمی‌کند مرتکب آزاد بوده یا عبد باشد، مسلمان بوده یا کافر باشد، مرد بوده یا زن باشد، طبق نظر برخی از فقها که طوطی بدان قایل شده است: حد مرد قواد این است که علاوه بر تازیانه زدن سر او نیز تراشیده شود و در شهر گردانده شود و از شهر خود به یکی از شهرهای دیگر تبعید می‌شود.

در مورد زن، نه سر او را می‌تراشند نه در شهر می‌گردانند و نه او را تبعید می‌کنند. فقط

۷۵ تازیانه است. ماده‌ی ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی حد قوادی برای مرد ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت سه ماه تا یک سال و برای زن فقط ۷۵ تازیانه است.
هـ: قذف

قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به کسی مانند این که به دیگری بگوید: تو زنا کردی یا تو زناکار هستی و یا بگوید: با تو لواط شده است و تو مفعول واقع شدی و یا تو لواط کردی و یا هر لفظ دیگری که این معنا را داشته باشد. قذف در لغت به معنای پرتاب تیر یا سنگ به دیگری است. حد قذف ۸۰ تازیانه است و تفاوتی بین آزاد و برده و مرد و زن وجود ندارد و تازیانه از روی لباس زده می‌شود و برهنه نمی‌شود و تازیانه خیلی محکم زده نمی‌شود. البته ماده‌ی ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی نیز حد قذف را ۸۰ ضربه تازیانه عنوان کرده است.

و: شرب خمر

از نظر امامیه حرمت شرب اختصاص به خمر (شراب) ندارد بلکه هر چیزی که سکرآور باشد، حرام است و حکم به حرمت نوشیدن مقداری از شراب که مست کند اختصاص ندارد. ماده‌ی ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد که حد مسکر برای مرد و زن ۸۰ تازیانه است. تبصره: غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به ۸۰ تازیانه محکوم می‌شود. در تحریرالوسیله حد نوشیدن مسکر بدین صورت عنوان شده است: حد نوشیدن مسکر ۸۰ تازیانه است، چه این که نوشنده‌اش مرد باشد و چه زن. کافر باشد و چه مسلمان البته کافر اگر شراب را علناً بنوشد حد دارد و اگر پنهانی بنوشد حد ندارد، هم چنان که اگر در کلیسا و معبد خود بنوشد حد ندارد. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۵۴) بنابراین جامعه‌بشری باید جامعه‌ای سالم و صالح باشد آرامش، امنیت و نظم در آن حکمفرما باشد، نیکی‌ها و فضایل در بین مردم و روابط اجتماعی ایشان محسوس و ملموس و فساد و تبهکاری مطرود و متروک باشد. هر جامعه‌ای برای حفظ نظم و صیانت از جان و مال و ناموس مردم و در جهت اجرای عدالت مقررات خاصی وضع می‌نماید. پس می‌توان گفت اجرای حدود دمیدن حیات به کالبد جامعه است، چنانچه معصوم(ع) می‌فرماید: زنده کردن زمین به باران نیست، بلکه احیای آن به عدالت و اجرای حدود الهی است. پس اگر حیات اجتماع به عدالت و اجرای حدود الهی وابسته است، هیچ‌گاه نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و لحظه‌ای از اجرای آن درنگ کرد. در اصل اجرای حدود الهی در جامعه هیچ شک و شبهه‌ای

نیست، ولی درباره‌ی چگونگی اجرای آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در پایان نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که تاکید بر اجرای حد شلاق هم در فقه جزایی اسلام و هم در قانون کشور جمهوری اسلامی ایران به صورت آشکارا عنوان شده است و قضات بر اساس موازین اسلام آن را اجرا می‌کنند. (شیدائیان، ۱۳۸۸، ص ۷۷)

بخش چهارم: بررسی و شناخت شلاق تعزیری و نحوه اجرای حکم شلاق تعزیری

زنان در صورت وجود مانع و مشکل

شلاق تعزیری، به مجازاتی گفته می‌شود که به موجب آن، در صورت ارتکاب جرایم تعزیری، با استفاده از یک نوار چرمی، ضرباتی بر بدن مجرم زده می‌شود که نحوه زدن این ضربات و همچنین، سایر احکام و مقررات آن، من جمله خرید و تبدیل آن، متفاوت از شلاق حدی است. در حال حاضر، قیمت هر ۳ ضربه شلاق تعزیری، معادل ۴۰ هزار تومان بوده و این مجازات، در دو مرحله صدور حکم و اجرای آن، تحت شرایطی، قابل تبدیل به جزای نقدی می‌باشد. پس فهمیدیم یکی از انواع مجازات‌های تعزیری، شلاق است که علاوه بر نوع تعزیری، دارای نوع حدی نیز می‌باشد. نکته‌ای که باید به آن توجه شود، این مساله بوده که هرچند، هر دو این مجازات‌ها، دارای عنوان شلاق بوده، اما شلاق تعزیری، به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری، دارای احکام و قواعد مخصوص به خود است و یکی از مسائل مهمی که در رابطه با آن مطرح شده، بحث خرید و تبدیل این مجازات به جزای نقدی بوده که مورد سوال بسیاری از محکومین می‌باشد.

بند اول: نحوه زدن شلاق تعزیری

شلاق تعزیری، یک از انواع مجازات‌های تعزیری بوده که علاوه بر امکان خرید و تبدیل به جزای نقدی، در نحوه زدن و اجرا نیز متفاوت از شلاق حدی بوده و اصولاً، به دلیل خفیف تر بودن جرایم تعزیری، نسبت به جرایم حدی، اجرای این شلاق نیز در مقایسه با شلاق حدی، به نحو ملایم تری انجام می‌گیرد. لازم به ذکر است که مقررات حاکم بر اجرای مجازات شلاق تعزیری، تا این اندازه، دارای اهمیت بوده که تخلف از این مقررات، می‌تواند اجرا کننده حکم را با ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری مواجه کند. لذا، در این بخش، به توضیح نحوه زدن شلاق تعزیری پرداخته و به این سوال پاسخ خواهیم داد که احکام و مقررات حاکم بر اجرای این مجازات چیست؟ نحوه زدن شلاق تعزیری، در (آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق،

تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین) که در سال ۱۳۹۸، به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده، مشخص شده است. بر اساس این آیین نامه، اجرای حکم شلاق تعزیری، با رعایت احکم و قواعد زیر، انجام می‌گیرد:

- حکم شلاق تعزیری، با استفاده از یک نوار چرمی به هم تابیده فاقد گره، اجرا شده که طول این نوار، ۱۰۰ تا ۱۲۰ سانتی متر و قطر آن نیز در حدود ۵.۱ سانتی متر است.
- اصابت ضربه‌های شلاق تعزیری، به چند قسمت از بدن، ممنوع می‌باشد: جلوی بدن و سر، صورت، گردن و عورت.
- پیش از اجرای حکم شلاق، محکوم نباید از داروی بی‌حسی و ضد درد، استفاده کند.
- در صورتی که محکوم، در زمان اجرای مجازات شلاق تعزیری، بیهوش گردد، فرآیند زدن شلاق، متوقف شده و تا زمانی که کاملاً بهبودی یابد، به تاخیر می‌افتد.
- در هنگام اجرای شلاق تعزیری، باید بدن محکوم، با لباسی متعارف، پوشیده بوده و در این مورد، نظر قاضی اجرای احکام کیفری، ملاک می‌باشد.
- نحوه زدن شلاق تعزیری، بدین صورت بوده که محکوم علی‌هی که حکم قرار است در مورد وی اجرا گردد، باید بر روی شکم، خوابیده و مکان اصابت ضربه‌های شلاق، پشت بدن، به استثنای سر و صورت، گردن و عورت می‌باشد. ضربات شلاق، با شدت متوسط و به صورت یک نواخت، طی یک جلسه به محکوم زده شده و باید به کیفیتی باشد که سبب خطر جانی یا نقص عضو محکوم نشود.
- در هنگام اجرای حکم شلاق تعزیری، قاضی اجرای احکام کیفری، حضور داشته و اجرای حکم، با نظارت وی انجام می‌گیرد، اما، شمردن تعداد ضربات، توسط نماینده او، صورت می‌گیرد. پس از پایان یافتن اجرای حکم، اجرای مجازات، در صورت مجلسی، قید گردیده و پس از امضا، توسط قاضی اجرای احکام کیفری، مامور اجرا و محکوم، ضمیمه پرونده کیفری می‌گردد.

بند دوم: خرید شلاق تعزیری

یکی از اصطلاحاتی که در میان عامه مردم، در ارتباط با مجازات شلاق تعزیری وجود داشته، بحث خرید آن بوده و این سوال، از سوی بسیاری از محکومین به این مجازات تعزیری مطرح می‌گردد که شرایط و نحوه خرید شلاق تعزیری چیست؟ پیش از آنکه به سوال فوق، پاسخ دهیم، لازم است به نکته اشاره کنیم که خرید شلاق، یک اصطلاح عامیانه

و غیر حقوقی بوده که در قانون مجازات اسلامی، حرفی از آن زده نشده و معادل حقوقی آن که مورد پذیرش قانون می باشد، تبدیل شلاق به جزای نقدی است. خرید حکم شلاق، صرفاً در خصوص شلاق تعزیری، امکان پذیر است و نه حدی، بنابراین، امکان خرید حکم شلاق تعزیری جرم رابطه نامشروع دون زنا، وجود دارد و امکان خرید حکم شلاق جرم شرب خمر که یک جرم حدی است و نوع و میزان مجازات آن، در شرع، مشخص شده، وجود ندارد. مطابق بند (ت) ماده ۳۷ قانون مجازات، شلاق تعزیری، به عنوان یکی از انواع مجازات‌های تعزیری، قابل تبدیل به انواع دیگر مجازات‌های تعزیری، به میزان یک تا درجه کمتر می باشد. بنابراین، امکان تبدیل شلاق تعزیری به جزای نقدی، در حکم دادگاه و خرید آن، نیز وجود داشته که برای این تبدیل، باید یکی از شرایط تخفیف مجازات، وجود داشته باشد. این شرایط عبارتند از:

گذشت شاکی، همکاری موثر متهم با مقام تحقیق، وضعیت خاص ارتکاب جرم مانند انگیزه شرافتمندانه، اعلام جرم توسط متهم، پشیمانی متهم و حسن سابقه وی یا وضعیت خاص او مانند کهولت و بیماری، تلاش متهم برای کاهش آثار جرم، کم بودن زیان وارده در اثر جرم و دخالت ضعیف متهم در وقوع آن. لازم به ذکر است که علاوه بر امکان خرید شلاق تعزیری، در مرحله صدور حکم، در مرحله اجرای رای نیز تحت شرایط خاصی، می توان برای تبدیل شلاق تعزیری به جزای نقدی اقدام نمود. با این توضیح که اگر مانع پزشکی، برای اجرای حکم وجود داشته و به تشخیص پزشکی قانونی، امید بر بهبودی محکوم نباشد، مطابق ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی اجرای احکام، پرونده را برای تبدیل مجازات، به دادگاه صادر کننده رای قطعی ارسال کرده که ممکن است مجازات شلاق، به جزای نقدی تبدیل گردد. (آقای جنت مکان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵)

بند سوم: تبدیل شلاق تعزیری به جزای نقدی

با توجه به اینکه مجازات شلاق، مجازات شدیدی بوده و در مقابل، جزای نقدی، مجازات خفیفی، در نظر گرفته می شود، یکی از سوالاتی که اغلب محکومین به شلاق، با آن مواجه بوده، این مساله است که آیا تبدیل شلاق تعزیری به جزای نقدی، امکان پذیر است و در صورت مثبت بودن پاسخ، شرایط آن چیست؟ در پاسخ به این سوال، باید گفت، تبدیل شلاق تعزیری به جزای نقدی، در دو مرحله صدور حکم و اجرای آن، مورد تصریح قانون گذار، قرار گرفته و هر کدام دارای شرایط خاصی بوده که طبق توضیحات زیر می باشد:

در مرحله صدور حکم، در صورتی که یکی از جهات تخفیف مجازات، از جمله گذشت شاکی، وضعیت خاص متهم مانند بیماری و کهولت و همکاری موثر متهم، وجود داشته باشد، دادگاه می تواند شلاق تعزیری را به نوع دیگری از مجازات های تعزیری، من جمله جزای نقدی تبدیل کرده و به این امر، در حکم خود تصریح نماید. در مرحله اجرای حکم نیز در صورت وجود مانع پزشکی و تشخیص پزشکی قانونی، مبنی بر نبودن امید بر بهبودی محکوم، قاضی اجرای احکام، اقدام به ارسال پرونده، به دادگاه صادر کننده رای قطعی نموده تا شلاق، به یکی دیگر از مجازات های تعزیری، من جمله جزای نقدی تبدیل گردد. (شیدائیان، ۱۳۸۸، ص ۹۴)

بند چهارم: قیمت شلاق تعزیری

در بخش های قبل، به این سوالات پاسخ دادیم که شلاق تعزیری چیست و نحوه زدن آن چگونه است و گفتیم که شرایط خرید این مجازات و تبدیل آن به جزای نقدی، در قانون مجازات اسلامی، به چه صورت می باشد اما یکی از سوالات مهمی که در رابطه با این نوع از مجازات تعزیری، برای بسیاری از متهمین، محکومین و خانواده های آنها مطرح بوده، بحث قیمت شلاق تعزیری است. به عبارت دیگر، هر ضربه از این شلاق، معادل چند تومان جزای نقدی می باشد؟ در پاسخ به سوالات فوق، باید گفت، مطابق ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی: «... در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار ریال است. چنانچه مجازات، متعدد باشد، به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می گردد.

بند پنجم: شلاق تعزیری زنان

اجرای حکم شلاق تعزیری و نحوه زدن آن، تابع مقررات خاصی بوده که در (آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین) مشخص شده است. قاعدتا، نحوه زدن شلاق تعزیری و شیوه اجرای آن، در زنان و مردان، یکسان بوده و تفاوتی با یکدیگر ندارند. با این وجود، به دلیل وضعیت خاص زنان، از حیث مواردی مانند بارداری و لزوم رعایت حجاب و شان آنها، اجرای شلاق تعزیری، بر این گروه از مجرمین، دارای تفاوت هایی با مجرمین مرد بوده که در ادامه به توضیح این موارد خواهیم پرداخت.

شلاق تعزیری مجرمین زن، با دستور قاضی اجرای احکام کیفری و به وسیله مامور با تجربه زن، اجرا گردیده و در هنگام اجرای حکم، مردان نباید حضور داشته باشند؛ با این وجود، در صورتی که مطابق مفاد حکم صادره، حکم شلاق باید در یکی از اماکن عمومی، اجرا گردد، حضور مردان، ممنوع نبوده و مجازات، در حالتی اجرا می گردد که محکوم، نشسته باشد. به علاوه، در صورت وجود یکی از این موانع، قاضی اجرای احکام، پس از تأیید پزشکی قانونی، دستور تاخیر اجرای حکم شلاق تعزیری را تا رفع مانع، صادر خواهد کرد: بارداری، زایمان حداکثر تا شش ماه پس از وضع حمل، دوران شیردهی حداکثر تا دو سالگی کودک، بیماری جسمی یا روانی محکوم و دوران حیض یا استحاضه. طبق ماده ۱۰ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس مصوب ۱۳۹۸ در صورت حدوث هر یک از موانع قانونی زیر، قاضی اجرای احکام کیفری با تنظیم صورت مجلس و ذکر علت، انجام تشریفات قانونی و حسب مورد پس از اخذ نظر پزشکی قانونی و تأیید این نظر، دستور تعویق اجرای مجازات را تا رفع مانع یا سپری شدن مدت صادر می کند:

الف - دوران بارداری؛

ب - پس از زایمان حداکثر تا شش ماه و صرف نظر از زنده یا مرده بودن مولود؛

پ - پس از زایمان و بیم تلف طفل در صورت اجرای مجازات- قصاص نفس و یا بیم تلف و یا آسیب بر وی در صورت اجرای مجازات قصاص عضو مادر؛

ت - دوران شیردهی توسط مادر حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی؛

ث - بیماری جسمی یا روانی محکوم تا زمان بهبودی؛ منوط به آن-که اجرای مجازات موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی شود؛

ج - ایام حیض یا استحاضه و اجرای مجازات شلاق در این ایام؛

چ - جنون پس از صدور حکم قطعی در جرایم تعزیری.

تبصره ۱- در مورد مجازات های مالی، محکوم به از اموال محکوم وصول و در صورت فقدان مال یا عدم دسترسی به آن وفق مقررات قانونی مربوط اقدام می شود.

تبصره ۲- محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می برد، در صورت جنون تا زمان بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگر نگهداری می شود. این ایام جزء محکومیت وی محاسبه می شود.

همچنین ماده ۱۱ آیین نامه مذکور بیان می دارد قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای حکم قصاص عضو یا قطع عضو محکوم را به پزشکی قانونی معرفی می کند تا چنانچه دارای یکی از موانع قانونی باشد، مراتب اعلام شود. در صورت وجود مانع قانونی و ممکن بودن رفع آن، در این خصوص اقدام و حکم اجرا می شود. در غیر این صورت اجرای حکم تا رفع مانع به تعویق می افتد. (فرجاد، ۱۳۶۹، ص ۱۴۴)

بخش پنجم: تفاوت شلاق حدی با شلاق تعزیری

همانطور که در بخش های پیشین توضیح دادیم و به علت اهمیت بحث بازهم تکرار می کنیم جرائمی که در متون فقهی و شرعی برای آن ها مجازات خاصی در نظر گرفته شده است به صورتی که مقام قضایی قادر به کاهش یا افزایش میزان مجازات مقرر نباشد به عنوان جرائم مستوجب حد شناخته می شوند. در این خصوص می توان به زنا، لواط، قذف، مساحقه، سرقت و شرب خمر اشاره نمود. طبق شرع اسلام فردی که مرتکب زنا شود اگر محصنه باشد سنگسار می شود و اگر غیر محصنه باشد به یکصد ضربه شلاق محکوم می گردد، یا مجازات شرب خمر هشتاد ضربه شلاق است. مقام قضایی حق ندارد میزان این مجازات ها یا نوع آنها را تغییر دهد. در اغلب جرائم مستوجب حد از مجازات شلاق به عنوان یک مجازات رایج نام برده شده است؛ به عنوان مثال زنا، غیر محصنه، شرب خمر، مساحقه و قذف مشمول شلاق می شوند. میزان شلاق برای این جرائم نیز از ۸۰ ضربه شلاق الی ۱۰۰ ضربه شلاق حدی متفاوت است. به این جرائم در قانون مجازات اسلامی، جرائم مستوجب حد گفته می شود و مجازات آن ها نیز به عنوان مجازات "حدی" شناخته می شوند. در مقابل این بحث، جرائمی که در زمره جرائم مستوجب حد قرار نمی گیرند جرائم تعزیری هستند. البته در بسیاری از موارد شباهت های بسیار زیادی میان جرائم مستوجب حد و جرائم مستوجب تعزیر وجود دارد. به عنوان مثال رابطه نامشروع نوعی جرم تعزیری است اما زنا، مساحقه و لواط جرم مستوجب حد هستند. سرقت نیز در اغلب موارد به صورت تعزیری است اما در موارد محدود نیز به صورت سرقت حدی شناخته می شود. توهین کردن مجازات تعزیری را به دنبال دارد اما تهمت زنا زدن مجازات حد را به دنبال دارد. ویژگی اصلی جرائم تعزیری این است که مقام قضایی می تواند در محدوده ای که قانون به آن ها اجازه داده است و در برخی از موارد حتی فراتر از آن مبادرت به کاهش یا افزایش مجازات مقرر نمایند. به عنوان مثال مجازات رابطه نامشروع از یک الی ۹۹ ضربه شلاق

است. حال مقام قضایی می تواند میزان مجازات را یک یا ۹۹ ضربه شلاق در نظر بگیرد. بنابراین در این زمینه هیچ اجباری ندارد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰)

اکنون که با دو دسته جرائم تعزیری و جرائم حدی آشنا شدیم قطعاً می توانید تفاوت شلاق حدی و شلاق تعزیری را هم به خوبی درک کنید. شلاق حدی به مجازات شلاقی گفته می شود که میزان و کیفیت آن توسط شرع اسلام تعیین شده است بنابراین قاضی صادر کننده حکم نمی تواند میزان آن را کم یا زیاد کند. در مقابل، شلاق تعزیری در برخی از جرائم تعزیری صادر می شود و میزان و کیفیت آن به موجب قانون بر عهده یا در اختیار مقام صادر کننده حکم بستگی دارد. بنابراین علاوه بر اینکه قابلیت کاهش یا افزایش دارد می تواند مورد بخشش، تعلیق، تعدیل و مواردی از این قبیل قرار گیرد. به عنوان مثال در صورت وجود جهات مخففه و همکاری موثر متهم با پلیس و دستگاه قضایی و همچنین در صورت رعایت وضعیت جسمانی متهم می توان مجازات شلاق تعزیری را به جزای نقدی تبدیل نمود. (آقای جنت مکان، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷)

بخش ششم: نگاهی اجمالی به نمونه رای اجرای مجازات شلاق

بند اول: رای شعبه ۳۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران

رای بدوی

در مورد اتهام... و... مبتنی بر برقراری رابطه نامشروع با هم، با توجه به همه مندرجات پرونده و مفاد شکواییه شاکی (همسر قبلی متهم ردیف اول) با توجه به همه ی آن چه که در پرونده قرار دارد. در گزارشات حاصل شده و مفاد کیفرخواست صادره از دادسرای ناحیه ۲۱ تهران با در نظر گرفتن دفاعیات متهم در جریان دادرسی و در جلسه دادگاه و بیانات متعارض او که به دلیل گریز از مجازات طرح شده است و نیز بیانات متهم در دادگاه که اذعان داشته به مدت سه ماه با دختر شاکی در ارتباط بوده است. در این میان همسر شاکی نیز با توجه به عکس هایی که ارائه کرده و نشان دهنده رابطه غیر شرعی و معاشرت آنها بدون رابطه نسبی و سببی و نهایتاً عدم حضور متهم در دادگاه و دفاع نکردن او موثر در ارائه مدارک بوده است، مجرم بودن آنها قطعی و مسلم می باشد. بر این اساس با استناد به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی حکم محکومیت به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری صادر و اعلام می شود. این رای در مدت ۲۰ روز قابل تجدید نظر است و نسبت به متهم ردیف اول یک رای غیابی بوده و در مدت ۱۰ روز بعد از ابلاغ او قابل واخواهی می باشد.

رای دادگاه تجدید نظر

در مورد حقوق، دادگاه عمومی تهران در محکومیت مجرم به تحمل ۹۹ ضربه شلاق، به اتهام رابطه نامشروع با توجه به مستندات پرونده و بیانات و زمان جریان دادرسی تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه، با توجه به شرایط سنی او و با در نظر گرفتن ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاههای انقلاب و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، حکم به تعلیق مجازات متهم به مدت ۳ سال، منوط به حفظ سوره مبارکه "ق" قرآن کریم و ارائه آن به قاضی اجرای احکام مدت تعلیق صادر و با توجه به مدارک دادنامه بدوی و این موضوع که از طرف تجدید نظر خواه، رد دادنامه ای که تجدیدنظرخواسته، انجام نشده و دادنامه معترضان درست و بر اساس قانون می باشد و با توجه به آن چه که در بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری می خوانیم، رای به رد تجدیدنظر خواسته صادر می شود.

در موردی دیگر دادگاه کیفری دو رای را صادر نموده به آقای..... به اتهام اختلال در نظم و آسایش به ۱۱ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق تعزیری و تبلیغ تعلیقی وی به مدت پنج سال محکوم کرده است. در حکم دادگاه چنین آمده است اگر آقای. تا انتهای مدت تعلیق مرتکب جرایم عمدی نشود، محکومیت تعلیق بلاثر بوده، و الا مضاف بر مجازات مذکور، مجازات معلق لغو و در مورد آنها اجرا می شود.

در مثالی دیگر شخص محکوم به تحمل دو سال حبس تعزیری و رد عین یا مثل مال مسروقه محکوم می شود. اما مجازات حبس محکوم به میزان دو سال تعلیق می گردد و این موضوع به شخص محکوم ابلاغ واقعی می شود. محکوم به مرتکب جرم مواد مخدر می گردد. بنابراین به تحمل ۵۱ ماه حبس و ۱۵۷ ضربه شلاق محکوم می گردد. به دلیل آن که در دوره تعلیق مرتکب جرم شده است اجرای احکام کیفری، پرونده را جهت صدور دستور اجرای مجازات تعلیقی به شعبه انقلاب می فرستد.

بند دوم: نمونه رای صادره دوم در خصوص مجازات شلاق

رای بدوی

در خصوص اتهام آقای م. ع. فرزند ع ۳۵ ساله، مقیم تهران، شغل نظامی، متأهل و فاقد سابقه کیفری دایر بر ایراد ضرب و جرح عمدی و توهین نسبت به آقای ح. ص.، دادگاه با بررسی محتویات پرونده، کیفرخواست صادره از دادرسی تهران و شکایت شاکی و گزارش

مرجع انتظامی و گواهی پزشکی قانونی و اقرار متهم در محضر دادگاه و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده وقوع بزه را محرز دانسته است. مستنداً به مواد ۶۰۸ و ۶۱۴ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۷ و ۳۰۲ و ۳۶۷ و ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی و رعایت ماده ۲۲ همان قانون به لحاظ فقدان سابقه کیفری حکم به محکومیت نامبرده به تحمل ۵۰ ضربه شلاق تعزیری جهت توهین و پرداخت پنج میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس از حیث جنبه عمومی بزه ضرب و جرح عمدی و بابت: ۱، جرح (دامیه) بالای ابروی چشم چپ به پرداخت دو درصد دیه کامله، ۲، جرح (حارصه) قسمت داخلی (مخاطی) لب بالا به پرداخت یک درصد دیه کامله، ۳، کبودی اطراف چشم چپ به پرداخت سه دینار، ۴، خونریزی زیر ملتحمه چشم چپ به پرداخت دو دهم درصد دیه کامله به عنوان ارش، ۵، تورم ناحیه فکی گیجگاهی سمت چپ به پرداخت نیم درصد دیه کامله، ۶، شکستگی استخوان پرویز نی سمت چپ التیام یافته به پرداخت ده درصد دیه کامله، ۷، آسیب نسج نرم انگشت اول پای راست به پرداخت یک درصد دیه کامله به عنوان ارش در حق مصدوم صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۱۱۲۴ دادگاه عمومی جزایی تهران

بند سوم: نمونه رای سوم تبدیل مجازات شلاق به جزای نقدی

رای بدوی

در خصوص اتهام آقای..... دایر بر تخریب عمدی و فحاشی موضوع کیفرخواست شماره ی. دادسرای ناحیه..... تهران در مورد فحاشی با توجه به اظهارات طرفین دعوی در جلسه دادگاه و دادسرا اتهام، محرز است؛ مستند به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی نامبرده را به تحمل ۲۵ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید. در مورد تخریب عمدی به لحاظ فقد دلیل کافی در انتساب اتهام به متهم (با توجه به اظهارات شاکی در مرحله دادسرا و دادگاه) مستند به اصل ۳۷ قانون اساسی حکم برائت متهم صادر می‌شود. رأی صادره حضوری و ظرف [۲۰] روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر تهران می‌باشد.

رئیس شعبه..... دادگاه عمومی جزایی تهران

رای دادگاه تجدید نظر

تجدیدنظرخواهی آقای. . نسبت به آن قسمت از دادنامه شماره. . مورخ. . شعبه. .

دادگاه عمومی جزایی تهران که ضمن آن نام برده به اتهام فحاشی به شاکی خصوصی آقای. به تحمل ۲۵ ضربه شلاق تعزیری محکوم شده است وارد نیست. زیرا با توجه به محتویات پرونده و اوضاع و احوال منعکسه در آن از جمله دلایل و مبانی صدور رأی و مفاد کیفرخواست شماره... دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه... تهران صدور رأی مذکور در این قسمت مغایر مقررات مربوطه به نظر نمی‌رسد. النهایه به نظر می‌رسد پرداخت مبلغ پانصد هزار ریال جزای نقدی به صندوق دولت به جای تحمل ۲۵ ضربه شلاق تعزیری مناسب‌تر به حال متهم است. این قسمت از رأی بدین نحو اصلاح می‌شود و نظر به اینکه از ناحیه تجدیدنظرخواه دلیلی که نقض رأی تجدیدنظرخواسته را در این قسمت ایجاب نماید، اقامه نشده است. لذا به جهات مذکوره مستنداً به مدلول بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی تجدیدنظرخواسته را در این قسمت به نحو اصلاح شده و تبدیل گردیده تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه..... دادگاه تجدیدنظر استان تهران

بخش نهم: نحوه اجرای مجازات شلاق و تازیانه در آیین‌نامه نحوه اجرای احکام

حدود، سلب حیات و مصوب ۲۷/۳/۱۳۹۸

در این آیین‌نامه چندین ماده مهم درخصوص نحوه اجرای مجازات شلاق تقنین شده است که در بخش‌های پیشین این مقاله به آن‌ها پرداختیم اما لازم و ضروری دانستیم مواد مرتبط با موضوع مقاله را در قالب یک بخش به صورت کلی ذکر نماییم. به استناد مواد ۱۲۲ الی ۱۳۴ آیین‌نامه مذکور اجرای مجازات شلاق به وسیله نوار چرمی به هم تابیده شده به طول یک‌صد الی یک‌صد و بیست سانتی‌متر و به قطر تقریبی یک و نیم سانتی‌متر که فاقد گره باشد انجام می‌شود. باید توجه داشت نحوه اجرای شلاق باید به گونه‌ای باشد که ضربات به جلوی بدن و سر، صورت، گردن و عورت اصابت نکند. چنانچه مجازات شلاق در فضای سرپوشیده اجرا شود، باید دمای هوای آن معتدل باشد و در صورتی که در فضای باز اجرا می‌شود، نباید دمای هوا بسیار سرد یا بسیار گرم باشد. در نقاط سردسیر حکم در ساعات گرم و در نقاط گرمسیر در ساعات خنک اجرا می‌شود. ضمناً لازم به ذکر است اجرای شلاق نباید به گونه‌ای باشد که به علت پیچیدن شلاق، قسمت‌های جلوی بدن مورد اصابت قرار گیرد.

استفاده از هرگونه داروی بی‌حسی و ضد درد پیش از اجرای شلاق ممنوع است. همانطور

که در بخش قبلی اشاره کردیم اجرای حکم شلاق با نظارت قاضی اجرای احکام کیفری انجام و توسط نماینده وی شمارش می‌شود. در موارد تردید در تعداد ضربات، بنا بر اکثر گذاشته می‌شود. پس از اجرای شلاق، مراتب صورت‌مجلس شده و به امضای قاضی اجرای احکام کیفری، مأمور اجرا و محکوم رسیده و ضم پرونده می‌شود. ضمناً مأمور اجرای حکم شلاق نباید قرابت نسبی، سببی یا سابقه دوستی یا دشمنی با محکوم یا یکی از طرفین دعوا داشته باشد. باید توجه داشت در صورت بیهوش شدن محکوم هنگام اجرای مجازات شلاق، اجرای حکم متوقف می‌شود و تا بهبودی وی به تأخیر می‌افتد. در این صورت چنانچه محکوم به علت دیگری در بازداشت نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۵۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری در مورد وی قرار تأمین متناسب صادر می‌کند. هرگاه فرد به دو یا چند محکومیت شلاق حدی و یا محکومیت حدی و تعزیری محکوم شود، پس از اجرای محکومیت اولیه، اجرای حکم دوم تا بهبودی محل اصابت ضربات شلاق به تأخیر می‌افتد؛ مگر آن‌که محکوم خواهان اجرای حکم دوم پیش از بهبودی باشد و به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حکم دوم بدین نحو برای سلامتی محکوم مخاطره‌آمیز نباشد. در فرض تأخیر در اجرای شلاق، قرار تأمین متناسب صادر می‌شود. طبق ماده ۱۳۰ این آیین نامه قاضی اجرای احکام کیفری در صورت ادعای محکوم دایر بر وجود مانع پزشکی برای اجرای مجازات شلاق، وی را به پزشکی قانونی معرفی می‌کند. هرگاه به تشخیص پزشک قانونی امید به رفع مانع باشد، تا زمان بهبودی اجرای مجازات شلاق به تعویق می‌افتد و در غیر این صورت، در شلاق تعزیری وفق ماده (۵۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می‌شود و در شلاق حدی به دستور دادگاه با یک دسته ترکه یا شلاق (ضغث) که به تعداد ضربات حد است، فقط یک‌بار به محکوم زده می‌شود؛ هرچند همه آن‌ها به بدن او نرسد. چنانچه پزشکی قانونی اجرای شلاق حدی بر قسمتی از بدن محکوم را بلامانع بداند، بر اساس این نظر اقدام می‌شود و نوبت به ضغث نمی‌رسد.

لازم به ذکر است ضربات شلاق حدی محکومان زن از شانه تا پایین کمر و به صورت مساوی و غیر متمرکز در تمام نقاط مذکور نواخته می‌شود. محکوم باید پوششی داشته باشد که بدن وی نمایان نشود و حکم توسط مأمور زن مجرب و بدون حضور مردان اجرا می‌شود. در صورتی‌که محل اجرای حکم شلاق در رأی دادگاه یکی از اماکن عمومی تعیین شده باشد، حضور مردان مانع اجرای حکم نیست. ضمناً باید توجه کرد شلاق حدی محکوم مرد

به نحو ایستاده از شانه تا مچ پا به صورت مساوی و غیر متمرکز در تمام نقاط مذکور اجرا می‌شود و در حد زنا، لواط، تفخیز و شرب خمر در حالی که پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و در حد قوادی و قذف از روی لباس متعارف اجرا می‌شود. حد شلاق زنا و تفخیز شدیدتر از حد شرب خمر و حد شرب خمر شدیدتر از حد قذف و قوادی است. همچنین پوشش محکوم حین اجرای شلاق تعزیری باید متعارف باشد و تشخیص آن با قاضی اجرای احکام کیفری است. شلاق تعزیری در حالتی که محکوم بر روی شکم خوابیده و پوشش او لباس متعارف است، به پشت بدن و به جز سر و صورت، گردن و عورت زده می‌شود. ضربات شلاق به نحو یکنواخت در یک مجلس و با شدت متوسط به گونه‌ای که موجب خطر جانی یا نقص عضو محکوم نشود، نواخته می‌شود. نهایتاً همانطور که در بخش‌های پیشین اشاره کردیم و شرح دادیم حکم شلاق در مورد محکوم مؤنث، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری و توسط مأمور مجرب زن و بدون حضور مردان به نحو فوق اجرا می‌شود؛ مگر این‌که محل اجرای حکم شلاق در رأی دادگاه یکی از اماکن عمومی باشد که در این صورت حضور مردان مانع اجرای حکم نیست و شلاق در حالت نشسته اجرا می‌شود.

نتیجه گیری

در جمع بندی پایانی و نتیجه گیری کلی این مقاله باید گفت مجازات شلاق هم به عنوان حد و هم به عنوان تعزیر اجرا می‌شود. شلاق (تازیانه) به عنوان حد در جرایم زنا، شرب خمر، قذف و قوادی قابل اعمال است. همچنین شلاق یکی از مصادیق مجازات تعزیری درجه شش، هفت و هشت است که در مورد تعدادی از جرایم تعزیری پیش بینی شده است. قانون گذار میزان مجازات حدی را از قران اقتباس کرده است و مقدار آن مطابق با قران است و مانند مجازات شرب خمر که میزان آن ۸۰ ضربه تازیانه است که قاضی نمیتواند در رای خود میزان آن را از ۸۰ ضربه کم یا زیاد کند. باید توجه داشت در اجرای حکم شلاق حدی اگر تازیانه به قسمتی دیگر از بدن جانی برخورد کند، تازیانه زننده مسئول نیست. همانطور که توضیح دادیم و اشاره شد میزان شلاق تعزیری را مجلس تصویب کرده است که اغلب مجازات‌های تعزیری حداقل و حداکثر در قانون تعیین شده است و قاضی دادگاه بین این حداقل و حداکثر را بیان می‌کند. لازم به ذکر است در اجرای حکم شلاق تعزیری اگر هنگام تازیانه زدن به جای دیگری از بدن جانی اصابت کرد و او صدمه دید شخصی که تازیانه می‌زند مسئول است و حتی ممکن است به جانی دیه هم

پرداخت شود. درخصوص مبنا و میزان مجازات شلاق باید توجه داشت محاکم کیفری اخیراً با تمسک به عنوان تعدد و ضرورت تشدید مجازات، شلاق افزون بر ۷۴ ضربه را با حفظ ماهیت تعزیری مورد حکم قرار می‌دهند. مبنای چنین اقدام قضایی گاهی صدق عنوان تعدد بر رفتار مجرمانه و در حقیقت تحمیل کیفر بر جرائم متعدد و نه رفتار واحد است؛ حال آنکه قانونگذار به صراحت جمع مجازات در جرائم تعزیری را منع کرده است. گاهی نیز تعدد حیثیات مختلف بر فعل واحد از جمله نفس تعدد را پایه توجیه شلاق زیاده بر حداکثر قرار می‌دهند. این رویکرد ضمن آنکه به توسعه مجازات شلاق به لحاظ کمی می‌انجامد و در موارد بسیاری از شلاق حدی نیز فراتر می‌رود، برخلاف مبنای فقهی محدودیت مجازات شلاق تعزیری است؛ و از سوی دیگر با سیاست عملی قانونگذار در کاهش مجازات بدنی و تمایل به مجازات‌های اجتماعی سازگاری ندارد. رویه سال‌های اخیر در شرایطی اتخاذ شده است که قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ با طبقه‌بندی مجازات‌های تعزیری شلاق را در طبقه ششم قرار داده و حداکثر مجازات این طبقه را ۷۴ ضربه تعیین کرده است. مجازات بیشتر از ۷۴ ضربه جز در موارد منصوص تعریف و مصداق قانونی ندارد و از حدود طبقات کیفر خارج می‌شود و از این جهت نیز انطباق آن با قانون مجازات ممکن نیست. شکل‌گیری این رویه «اصل قانونی بودن مجازات» را که اصل سی و ششم قانون اساسی بر آن تأکید کرده نیز مورد خدشه قرار داده است. در پایان پژوهش حاضر و در رابطه با تفاوت شلاق تعزیری با شلاق حدی فهمیدیم میزان شلاق تعزیری، در قانون، به صورت حداقل و حداکثر، مشخص شده و قاضی در تعیین میزان دقیق آن در حکم، مخیر می‌باشد؛ اما، میزان شلاق حدی، به عنوان یک مجازات حدی، به طور دقیق، در شرع و قانون، تعیین شده و قاضی، ملزم است که به همان میزان، رای دهد. به طور مثال، مجازات رابطه نامشروع، از ۱ تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیری است، اما مجازات شرب خمر، ۸۰ ضربه شلاق حدی می‌باشد. محکومیت فرد، به شلاق حدی، از موارد سوء پیشینه کیفری بوده و محکوم را برای دو سال، از حقوق اجتماعی محروم می‌کند؛ در حالی که محکومیت به شلاق تعزیری، حتی شدیدترین میزان آن، از موارد سوء پیشینه کیفری، محسوب نمی‌گردد. چنانچه، قبل از اجرای حکم شلاق، محکوم، برای مدتی در حبس بوده، در هنگام اجرای شلاق تعزیری، این مدت، از تعداد ضربات کسر می‌گردد؛ اما، در اجرای شلاق حدی، حبس قبلی محکوم، اثری نداشته و مجازات شلاق، به طور کامل اجرا خواهد شد. شلاق تعزیری،

تحت شرایط خاص مقرر در قانون، قابل تخفیف، خرید و تبدیل به جزای نقدی بوده، اما در مورد شلاق حد، قاضی هیچ حقی، در تخفیف و تبدیل آن به سایر مجازات‌ها را نداشته و باید مطابق قانون، اجرا گردد. نحوه اجرای این دو نوع شلاق نیز با یکدیگر تفاوت داشته؛ با این توضیح که شلاق حدی، در حالتی اجرا می‌شود که محکوم، ایستاده بوده و در مورد مردان، از شانه تا مچ پا و در مورد زنان، از شانه تا پایین کمر، اجرا می‌شود؛ اما شلاق تعزیری، در حالتی که محکوم بر روی شکم خوابیده، اجرا شده و صرفاً به پشت بدن و به استثنای سر و صورت، گردن و عورت زده می‌شود. نهایتاً اگر بخواهیم به ذکر چند نکته اجمالی در رابطه با مجازات شلاق اشاره کنیم به نتایج زیر می‌رسیم:

۱. دادگاه این توانایی را دارد که با مشاهده وضعیت متهم (نداشتن سابقه کیفری و سن او) کیفر شلاق با پول نقد عوض کند.
۲. دادگاه می‌تواند در مواقعی که شاکی راضی باشد مقدار شلاق محکوم علیه را کم کند.
۳. دادگاه می‌تواند با مشاهده وضعیت خاص محکوم علیه کیفر شلاق را مجازات نقدی تبدیل کند.
۴. وضع خاص محکوم علیه و عیالوار بودن وی دادگاه می‌تواند شلاق را با جریمه نقدی عوض کند.
۵. وقتی که پرداخت مجازات نقدی از تاب و توان شلاق برای محکوم علیه آسانتر باشد از جریمه نقدی در حکم استفاده می‌شود.
۶. در اموری که هدف دادرسی با جزای نقدی و یا شلاق ممکن است به دست بیاید، نیاز است که از مجازات زندان خودداری شود.
۷. دادگاه می‌تواند با دقت به اوضاع متهم کیفر شلاق را با جزای نقدی عوض کند و سپس این مجازات عوض شده را برای مدتی به عقب اندازد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد

الف) کتب فارسی

۱. اخوت، محمد علی، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، نشر صابریون، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۵
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، نشر میزان، تهران، زمستان ۱۳۹۸
۳. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، انتشارات گرایش، تهران، ۱۳۹۲
۴. آقایی جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۰
۵. آقایی جنت مکان، حسین، نظارت (حبس) الکترونیکی، روشی نو در جانشینی کیفر زندان، دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، چاپ اول، ۱۳۹۲
۶. آماده، غلامحسین، اختیارات قضایی در تعیین مجازات، چاپ سوم، نشر دادگستر، تهران، زمستان ۱۳۹۹
۷. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه علی آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ- سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲
۸. جعفری لنگرودی، جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، انتشارات گنج‌دانش، تهران، ۱۳۷۸
۹. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، تهران، ۱۳۸۸
۱۰. زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۹۲
۱۱. ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱
۱۲. سلیمی، علی، داوری، محمد، جامعه شناسی کجروی، چاپ ششم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۵

۱۳. صدیق سروستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی: جامعه شناسی اعترافات اجتماعی، چاپ اول، نشر آن، تهران، ۱۳۸۳
۱۴. فرجاد، محمد حسین، روانشناسی و جامعه شناسی جنایی، چاپ اول، نشر همراه، تهران، ۱۳۶۹
۱۵. فرج اللهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹
۱۶. کلارسون، سی ام وی، تحلیل میانی حقوقی جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۴
۱۷. کی نیا، مهدی، جامعه شناسی کیفری، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
۱۸. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۲
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ ۲۱، نشر میزان، تهران، زمستان ۱۳۸۷
۲۰. نوربها، رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۴
۲۱. نوربها، رضا، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷
۲۲. نیازپور، امیرحسن، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰
- ب) کتب عربی**
۲۳. ابن ادریس الحلّی، السرائر، جلد ۳، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ هـ
۲۴. جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) مسالک الافهام، جلد دوم، چاپ افست، بی تا
۲۵. جبعی عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، عبدالهادی حکیم، جلد دوم، مطبعه الآداب نجف، ۱۳۶۰ هـ
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۲۸، باب ۱۰ از ابواب بقیه الحدود، مؤسسه آل البيت، قم، بی تا.

۲۷. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، مؤسسه‌ی آل البیت، قم، بی تا

۲۸. حلبی، ابن زهره، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، چاپ اول، انتشارات مؤسسه امام صادق(ع)، قم، ۱۴۱۷ هـ ق

۲۹. حلی(علامه) حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام، کتاب حدود، چاپ سنگی، افست قم، بی تا

ج) مقالات فارسی

۳۰. پوربافرانی، حسن، نقد سیاست جنایی حدود محور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران، فصلنامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۴

۳۱. حاجی تبار فیروزآبادی، حسن، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده) مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷

۳۲. محمدنسل، غلامرضا، بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳

۳۳. میره‌ای، سیدحسن، جاویدزاده، حمیدرضا، مراقبت الکترونیکی و بررسی جمالی آن بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی، مجله فقه و حقوق، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۳

۳۴. الهام، غلامحسین، اعتماد به قاضی، تحلیل ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریات فقهی شورای نگهبان، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۵۱، تهران، ۱۳۹۱

چ) پایان‌نامه‌ها و جزوه‌های درسی

۳۵. حاجی ده آبادی، محمد علی، ارتباط اخلاق و سیاست جنایی، پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم، دانشگاه مفید، نیمسال دوم

سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۹

۳۶. شاه حسینی، پروانه، تبیین فرآیند شکل‌گیری و ناهنجاری‌های کالبدی، اقتصادی سکونتگاه‌های خودرو و نمونه مورد بررسی شهر پاکدشت، رساله‌ی دکتری دانشگاه

تهران، سال ۸۲

شیدائیان آرانی، مهدی، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در

حقوق کیفری ایران و اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸

